

ارزیابی قابلیت های اجتماعی - فرهنگی در محلات شهر تهران

نمونه موردی محلات منطقه ۲۰ با استفاده از روش Electre

علیرضا شیخ الاسلامی

استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد

guplan@gmail.com

۰۹۱۸۸۵۲۰۹۲۷

محمد علی خلیجی

کارشناسی ارشد شهرسازی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان واحد بناب، ایران.

ma.khaliji@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۱۱

چکیده

فرهنگ، پایه ی رفتارهای انسانی به شمار می رود و بخش قابل توجهی از رفتارهای اقتصادی نیز بر این بنیان استوار است. در مفهوم «توسعه اجتماعی»، کلمه «اجتماعی» از اهمیت بیشتری برخوردار است و یکی از کامل ترین دسته بندی ها از تعاریف صورت گرفته از مفهوم توسعه اجتماعی تعاریف مبتنی بر سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی است. هدف این مقاله اندازه گیری و ارزشیابی شاخص های توسعه فرهنگی - اجتماعی و نشان دادن سطوح توسعه محلات از نظر بهره مندی فضا ها و امکانات است. روش بررسی به صورت مقایسه ای و با استفاده از شاخص های فرهنگی و اجتماعی می باشد. آمار و شاخص های مورد استفاده در این تحقیق از سازمان شهرداری های تهران و سالنامه های آماری در سال ۱۳۹۰ اخذ شده است. نوع تحقیق کاربردی و روش تحلیل مقایسه ای و مدل مورد استفاده مدل Electre می باشد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که بین محلات منطقه ۲۰ شهرداری تهران، از نظر بهره مندی از فضاها و امکانات فرهنگی تفاوت فاحشی وجود دارد. در این بین محله جوارد قصاب نسبت به سایر محلات از توسعه فرهنگی و اجتماعی بیشتری نسبت به بقیه برخوردار می باشد

واژگان کلیدی: زیرساخت فرهنگی، سطح بندی فرهنگی، شاخص های فرهنگی محلات، Electre

مقدمه

توسعه در مفهوم وسیع آن یعنی بهبود در کیفیت سطح زندگی از همه ابعاد آن، یعنی چیزی بیش از افزایش درآمد، یعنی آموزش بهتر، بهبود استانداردهای بهداشتی و تغذیه، کاهش فقر، محیط زیست بهتر و برابری اقتصادی و اجتماعی بالاتر در برخورداری از امکانات و فرصتها، آزادی بیشتر فردی و زندگی غنی تر. مهم ترین نکاتی که در تعریف توسعه باید مد نظر داشت عبارتند از این که، اولاً باید توسعه را یک مقوله ارزشی به شمار بیاوریم، ثانیاً باید آن را جریانی چند بعدی و پیچیده بدانیم، و، ثالثاً، باید به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود توجه داشته باشیم (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۴). توسعه اجتماعی در برگیرنده بعدی از توسعه است که بر کنش و واکنش های انسانی نهاد ها و روابط اجتماعی با یکدیگر تأکید می ورزد و بر آنها تمرکز می نماید (Renine, 2002). و دگرگونی اجتماعی مثبت تلقی میشود (Renine, 2003). تعاریف دیگر از توسعه‌ی اجتماعی بر مضامین "سازگاری متعال میان فرد و جامعه"، "ایجاد امنیت"، "ایجاد شرایطی با حقوق و فرصتهای برابر" و "شکوفایی فرد" تأکید می‌کنند. در برخی تعاریف دیگر، توسعه اجتماعی یک سیاست اجتماعی، معطوف به "توزیع ثروت، رفاه، بیمه عمومی و تأمین اجتماعی" نیز خوانده می‌شود (Ladburry & Kinear, 1995). زیست شهری ایرانیان شامل خانه مسکونی، محله شهری و شهر می باشد. یافته ها، آموزه ها و تجربه های علمی نشان می دهد استوارترین و پرشورترین فضای زیستی شهروندان محله ها می باشند. چرا که بررسی ها نشان می دهد انسان ایرانی بیش از آن که در گستره خانه یا گستره بازار و پهنه فراگیر شهر حضور داشته باشد، در محله خود حضور و عینیت داشته است. لازمه پیشبرد محله فرهنگ و اتباط جوامع با محلات می باشد چه بسا توسعه فرهنگ در جوامع و شهر از توسعه محلات آغاز می شود. فرهنگ، پایه ی رفتارهای انسانی به شمار می رود و بخش قابل توجهی از رفتارهای اقتصادی نیز بر این بنیان استوار است (عظیمی، ۱۳۸۳، ۸۳). کلمه کولتورا ۳ در پایان قرن یازده برای اولین بار به یک قطعه زمین مزروعی برای کاشت سبزیجات اطلاق شد و به تدریج در معنای کشاورزی بکار رفت (کریستیانسن، ۱۹۹۳: ۱۵۳). در اواسط قرن شانزده این مفهوم توسط انسانشناسان مطرح و در قرن ۱۹ مترادف تمدن به کار برده شد. به نظر فرهنگ گرایان، فرهنگ به عنوان یک الگوی زندگی با فرایندهای اکتسابی و نسبتاً ثابت عامل تغییرات جامعه و شکل دهی تفکرات و نگرش

ها است (بودون و برنارد، ۱۹۹۵: ۶۲). اندیشه توسعه ی فرهنگی به عنوان موضوع سیاست ملی، به ویژه در چارچوب نظام سازمان ملل، از حدود سال ۱۹۵۰ قوت گرفت و رواج یافت. طی دهه ۶۰-۱۹۵۰ که به ده ساله اول توسعه شهرت یافته است (بالاترین نرخ رشد اقتصادی)، تحول پر معنایی روی داد و مفهوم توسعه، گسترش، تنوع و عمق یافت. در دهه ۷۰-۱۹۶۰ در کشورهای اروپایی مفاهیم و اصطلاحات جدیدی در عرصه فرهنگ وضع گردیده و به تدریج مرسوم شد که از مهمترین آنها توسعه فرهنگی است و به این نتیجه رسیدند که بهبود بخشیدن به نیازهای اساسی افراد از مهمترین مسایل می باشد (تقوایی و رحمتی، ۱۳۸۵: ۱۱۸). اندیشمندان توسعه و فرهنگ را به صور گوناگون تعریف کرده و تعبیر مختلفی از توسعه فرهنگی ابراز نموده اند. در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه در نتیجه تأثیر عوامل محیطی و جهانی، توسعه فرهنگی معانی مختلفی دارد که تا چند قرن پیش قابل تصور نبود (زیاری، ۱۳۷۹: ۹۲). به نظر مایکل تودارو با برقراری تعادل مناسب بین امکانات اقتصادی شهر و روستا و نیز ایجاد شرایط مناسب برای مشارکت وسیع مردم کشورهای در حال توسعه، می توان گام بزرگی را در جهت تحقق معنای حقیقی توسعه برداشت (تقوایی و رحمتی، ۱۳۸۵: ۱۱۸). مسأله این مقاله از این جا ناشی می شود که تمرکز امکانات فرهنگی و اجتماعی در برخی از محلات سبب شده است که سایر محلات و یا نواحی از این امکانات بهره کافی و وافی نبرده باشند. این بدان معنی میباشد که توزیع امکانات فرهنگی و اجتماعی به معنای دادن امکانات و فضاهای فرهنگی نیست، بلکه معنای وسیع تر آن استفاده از توان بالقوه محلات نیز هست، چرا که به هر جهت برخی از محلات توان بالقوه فرهنگی را دارند که تاکنون از آنها استفاده نشده است و این عدم استفاده خود به معنای عدم تعادل است.

مبانی نظری

در مفهوم «توسعه اجتماعی»، کلمه دوم آن یعنی «اجتماعی» اساساً از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا عمده تعاریف صورت گرفته نیز بر واژه دوم تأکید داشته اند. یکی از کامل ترین دسته بندی ها از تعاریف صورت گرفته از مفهوم توسعه اجتماعی، ارائه می شود که برداشت ها و تعاریف موجود برحسب عنوان تعاریف «باقیمانده ای، آسیب شناختی، خدماتی، تعاریف مبتنی بر «غیررسمی بودن»، سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی دسته بندی شده اند. در اینجا برای سهولت در فهم و اختصار در توضیح این تعاریف، همه آنها در جدول زیر ارائه می شوند (Thin, 1998, 9-12)

فرهنگ: فرهنگ مجموعه ای از دستاوردهای مادی و معنوی انسان است (پلگرینو، ۱۹۸۳: ۱۷۵) که به تدریج در درون اعضای جامعه نفوذ کرده و الگوهای فضایی را شکل می دهد (ایمبرت دولار، ۱۹۸۲: ۲۵۸). فرهنگ مجموعه ای از الگوهای تفهم و تفکر انسانی (کی سر، ۱۹۷۹: ۱۱)، هویت اجتماعی و شخصیت اساسی جامعه است که بدون شک حاصل تضاد ها و سرمایه هایی است که بر اثر آن هویت جدید شکل می گیرد (پلگرینو، ۱۹۸۳: ۸۸). به طور کلی فرهنگ مترادف عدالت اجتماعی به شیوه های نمادی شفاف و عینی بوده و درصدد ارائه بهترین شیوه های زندگی و جنبه های سکونت است (پلامد، ۱۹۷۳: ۲۶). فرهنگ یک اصطلاح دارای بار ارزشی است. طبق این تعریف فرهنگ می تواند شامل سیستم های فن آوری های عمومی، موسسات علمی، ورزش های تفریحی، فعالیت های میراثی و هنری و فعالیت های مذهبی و معنوی باشد (فاضل نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۳). اولسون چهار جزء اصلی برای فرهنگ قایل می شود که عبارتند از: باورها، ارزش ها، هنجارها و تکنولوژی ها. از دید یونسکو فرهنگ، کلیت تامی از ویژگیهای معنوی، مادی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را مشخص می کند. فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات را در برمی گیرد بلکه شامل آیین های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر، نظام های ارزشی، سنتها و باورهاست (آمیش استان آذربایجان شرقی، ۱۳۸۶: ۱۴۷). در واقع فرهنگ ارزش ها و هنجارهای سیستمی است که در بین افراد جامعه وجود دارد و در فعالیت های اقتصادی، خود را نشان می دهد (اکبریان، ۱۳۸۶: ۲۳).

توسعه فرهنگی: توسعه فرهنگی، همگانی کردن فرهنگ و از بین بردن نابرابری های فرهنگی است که ریشه در مقتضیات اقتصادی و اجتماعی مردم دارد. نظریه های مختلف توسعه، نگرش متفاوتی نسبت به فرهنگ دارند. پیروان نظریه نوگرایی، سهم فرهنگ را در خلق ارزش های جدید مؤثر می دانند و معتقدند که یک اجتماع هرگز به توسعه نمی رسد مگر اینکه اکثریت افراد آن اجتماع، ارزش های جدید را بپذیرند. بنابراین فرهنگ یک سرمایه گذاری تولیدی است (مسعودیان، ۱۳۷۴: ۳۰-۴۰). توسعه فرهنگی فرایندی است که طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه های اداراکی شناختی و گرایش انسان ها، قابلیت ها و باورها و شخصیت های ویژه ای را در آنها به وجود می آورد که حاصل این باورها و قابلیت ها، رفتار و کنش هایی است که مناسب توسعه است. به عبارتی حاصل توسعه فرهنگی کنار گذاشتن خرده فرهنگ های نامناسب توسعه است. در مورد اثر فرهنگ بر توسعه میتوان به ایجاد دارایی های زیادی از قبیل مهارت ها

و محصولات فرهنگی اشاره کرد که در ارتقای رفاه جامعه اثر بسزایی دارد (مشکینی و قاسمی، ۱۳۹۱: ۳). به طور کلی هدف از توسعه، بهبود شرایط کلی زندگی مردم است. در هر کشوری اقشار خاصی از مردم هستند که وضعیت زندگی شان به مراتب بهتر از دیگران است. از این رو توسعه باید بیشترین توجه خود را به کسانی معطوف دارد که سطح زندگی شان مطلوب نیست (تقوایی و رحمتی، ۱۳۸۵: ۱۲۱). سازمان یونسکو عوامل مهم توسعه فرهنگی را فعالیت های فرهنگی (کتاب، کتابخانه، موسیقی، موزه ها، سینما، محوطه های میراث جهانی و جهانگردی بین المللی) و گرایش های فرهنگی (کتاب، روزنامه، مبادلات فرهنگی، محیط زیست و ...) معرفی می کند. در گزارش سال ۱۳۷۸ این شاخصها در ایران در قالب زیر معرفی شده اند: رادیو تلویزیون، سینما، عکس، موسیقی، تئاتر، ورزشی، گردشگری (فاضل نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

فرهنگ، شهر و محله: فرهنگ، شهر و محله سه پدیده مکمل هستند. هر کدام دیگری را تکمیل و بدون دیگری نیز معنا و مفهوم ندارد. به عبارت دیگر هر سه پدیده های انسانی را تکمیل می کنند. شهر و محله صورت است و فرهنگ محتوای آن است. یکی جنبه خارجی و دیگری جنبه داخلی آن است (ربانی، ۱۳۸۵: ۲۶). محله یکی از عناصر اساسی شناخت فضاهای شهری مثل آثار و ابنیه، سینما ها، مساجد و مدارس است. لذا مشاهده می گردد که محله در تصویر شهر و فرهنگ شهر نقشی بسیار نمادین به عهده دارد. واقعیت جامعه شناختی محله به مراتب پیچیده است. به نظر جامعه شناسان معرف های سنتی محله با واحد حیات جمعی و جامعه پذیری در ارتباط است. در محله های یک شهر از لحاظ احداث خیابان در فضاهای فعال، باورها و آداب و رسوم شباهت هایی را شاهد هستیم. معیار محله بیشتر اجتماعی و فرهنگی است. زیرا محله با نظم اجتماعی - اقتصادی شکل می گیرد و در بسیاری از سازمان های شهری امروزی شاهد فعالیت های اجتماعی و الگوهای زندگی محله ای هستیم (ربانی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). می توان ارتباط فرهنگ، شهر و محله را بسان چرخه ای متصور شد که هر سه مکمل یکدیگر هستند و نبود یکی موجب نقص در جامعه خواهد شد.

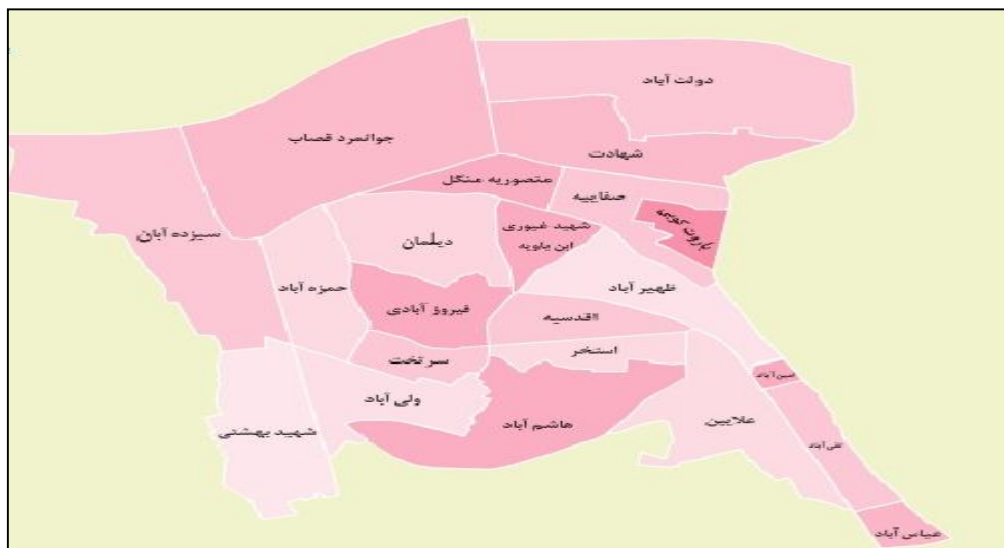
پیشینه تحقیق

بررسی نا برابری فرهنگی و وجود آن در محدوده های جغرافیایی مختلف در سال های اخیر مورد توجه برنامه ریزان و سیاستمداران قرار گرفته است و پژوهش های زیادی در سطوح ملی منطقه ای ناحیه ای و محلی با استفاده از روش های متفاوت صورت گرفته است که به تعدادی از مطالعات انجام شده اشاره می شود: مک کان (۲۰۰۲) در مقاله تحت عنوان «سیاست های فرهنگی توسعه اقتصاد محلی» به بررسی رقابت بر روی چگونگی ترسیم سندهای چشم انداز آینده محلات در روند سیاست های محلی مختلف تمرکز دارد. کارل رزنستاین (۲۰۱۱) در مقاله خود «توسعه فرهنگی و محله های شهری» به بیان چهار ویژگی سیاست توسعه فرهنگی می پردازد و به استدلال تأثیر این ویژگی ها در توسعه فرهنگی و زندگی فرهنگی محلات می پردازد. زیاری (۱۳۷۹) در مقاله «سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استان های ایران» درجه توسعه یافتگی بخش فرهنگ در استان های ایران را با توجه به ۲۳ شاخص انتخاب و نتیجه پژوهش نشان می دهد که استان تهران در میان سایر استان های کشور دارای سطح توسعه یافتگی بالایی نسبت به سایر استان ها می باشد. تقوایی و رحمتی (۱۳۸۵) در مقاله خود «تحلیل شاخص های توسعه فرهنگی استان های کشور» با استفاده از شاخص ها و فضاها ی فرهنگی بیان می دارد که از لحاظ زیر ساخت های فرهنگی در بین استان های کشور اختلاف فاحشی وجود دارد که استان های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویر احمد، بوشهر و زنجان در پایینترین سطح توسعه قرار گرفته اند. بابایی (۱۳۸۹) در مقاله «توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران» رابطه بین توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی را مورد بررسی قرار داده است و در نهایت نشان میدهد که آسیب های هویتی و فرهنگی و ضعف سرمایه فکری و فرهنگی مانع توسعه در ایران شده است. محمدی و ایزدی (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیلی بر توسعه فرهنگی شهر اصفهان» با استفاده از ۳۵ شاخص که در نهایت به پنج عامل اصلی تقلیل یافته، ثابت میکند که توزیع امکانات و فضاها ی فرهنگی در اصفهان متعادل نمی باشد.

روش تحقیق و محدوده مورد مطالعه

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است، بخشی از اطلاعات مورد نیاز از مرکز آمار، و شهرداری شهر تهران جمع آوری شده است. از مهمترین شاخص هایی که استفاده کردیم می توان به مساجد و حسینیه ها، مراکز فرهنگی مانند فرهنگسراها، سینما، تئاتر، مراکز آموزشی مانند مدارس ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و تعداد مردان و زنان باسواد اشاره کرد. در این تحقیق با استفاده از شاخص های فرهنگی و مدل ELECTRE به رتبه بندی محلات منطقه ۱ شهر تهران پرداخته شده است، که شامل محلات امامزاده قاسم، جماران، حکمت، تجریش، دزاشیب، چیدر و قیطریه می باشد. شیوه های تصمیم گیری چند شاخصه گوناگون است که هرکدام ویژگی ها و شرایط کاربرد خاص خود را دارد.

بزرگترین شهر و پایتخت ایران و مرکز استان تهران و شهرستان تهران است. جمعیت آن ۸،۲۴۴،۵۳۵ نفر است و بیست و پنجمین شهر پرجمعیت جهان به شمار می آید. مساحت این شهر ۷۳۰ کیلومتر مربع است. شهر تهران، در شمال کشور ایران و جنوب دامنه رشته کوه البرز واقع شده است. این شهر دارای یک شبکه متراکم بزرگراهی است. شهر تهران در شمال ایران، در کوهپایه های جنوبی رشته کوه البرز در حد فاصل طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲ دقیقه شرقی تا ۵۱ درجه و ۳۶ دقیقه شرقی، به طول تقریبی ۵۰ کیلومتر و عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۳۴ دقیقه شمالی تا ۳۵ درجه و ۵۰ دقیقه شمالی به عرض تقریبی ۳۰ کیلومتر گسترده شده است. تهران از شمال به نواحی کوهستانی، و از جنوب به نواحی کویری منتهی شده، در نتیجه در جنوب و شمال دارای آب و هوایی متفاوت است. تهران به ۲۲ منطقه، ۱۲۳ ناحیه و ۳۷۴ محله تقسیم شده است. نماد شهر تهران برج آزادی است. برج میلاد نیز نماد دیگر آن به حساب می آید.



شکل شماره ۱- موقعیت محلات (نگارندگان)

یافته های تحقیق

مدل الکترا جز خانواده روش چند معیاره است که برای اولین بار در سال ۱۹۹۲ Yu آن را ارائه کرد و در سال های بعد توسعه داده شد. این روش، روش دسته بندی برای تصمیم گیری چند معیاره است که گزینه را بر اساس بازه های از پیش تعیین شده طبقه بندی می کند (ملک محمدی و همکاران، ۱۳۸۷) این طبقه بندی در نتیجه مقایسه هر گزینه با پروفیل هایی که مبین مرز طبقات هستند حاصل می شود (Berger, 2002). تکنیک الکترا توسط بنایون^۴ ارائه شد و سپس توسط وان دولف^۵، نیجکمپ^۶، روی^۷ و سایر همکارانش توسعه داده شده است. مفهوم این روش روابط رتبه بندی برتر است (طواری و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۶). در این روش از مفهوم تسلط به صورت ضمنی استفاده می شود. در این روش گزینه ها به صورت ضمنی استفاده می شود. در این روش گزینه ها به صورت زوجی با یکدیگر مقایسه می شوند و گزینه های مسلط و ضعیف شناسایی شده و سپس گزینه های ضعیف و مغلوب هدف می سنجند

^۴ Benayoun
^۵ Van Delft
^۶ Nijkamp
^۷ Roy

(Roy, 1991) اگر در یک مسئله تصمیم گیری چند معیاره N معیار و M گزینه وجود داشته باشد به منظور انتخاب بهترین گزینه با استفاده از روش اکثر مراحل زیر باید انجام شود:

مراحل روش ELECTRE

گام اول: تبدیل ماتریس تصمیم به ماتریس بی مقیاس

روش های مختلفی برای بی واحد کردن وجود دارد اما در روش اکثر معمولاً از رابطه زیر استفاده می شود (Tille and Dumont, 2003):

$$r_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m x_{ij}^2}}$$

گام دوم: تشکیل ماتریس بی مقیاس وزین:

$$V = ND \cdot Wn$$

که W ماتریس قطری وزن شاخص هاست که تنها عنصر اصلی آن غیر صفر است و V ماتریس بی مقیاس وزنی است.

گام سوم: تشکیل مجموعه معیارهای موافق و مخالف:

در این مرحله تمامی گزینه ها نسبت به تمامی معیارها مورد ارزیابی قرار می گیرد و مجموعه های موافق و مخالف تشکیل می شود.

اگر معیار مورد نظر دارای جنبه مثبت باشد:

$$S_{ke} = \{j \mid V_{kj} \geq V_{ej}\}$$

$$I_{ke} = \{j \mid V_{kj} < V_{ej}\}$$

و اگر معیار مورد نظر دارای جنبه منفی باشد:

گام چهارم: محاسبه ماتریس موافق و مخالف

ماتریس موافق مربع $m \times m$ بوده که قطر آن فاقد عنصر می باشد و سایر عناصر این ماتریس نیز از جمع اوزان شاخص های متعلق به مجموعه موافق حاصل می شود.

$$C_{ke} = \frac{\sum_{j \in S_{ke}} W_j}{\sum_{j=1}^m W_j}$$

ماتریس مخالف مربع $m*m$ بوده که قطر آن فاقد عنصر می باشد و سایر عناصر این ماتریس نیز از ماتریس بی مقیاس شده موزون حاصل می شود.

$$d_{ke} = \frac{\max_{j \in I_{ke}} \|v_{kj} - v_{ej}\|}{\max_{j \in J} \|v_{kj} - v_{ej}\|}$$

لازم به تذکر است که اطلاعات موجود در ماتریس موافق تفاوت های عمده ای با اطلاعات موجود در ماتریس مخالف دارد و در واقع این اطلاعات مکمل یکدیگرند. تفاوت میان وزن ها به وسیله ماتریس موافق حاصل می شود، حال آنکه تفاوت میان مقادیر مشخص شده به وسیله ماتریس مخالف بدست می آید.

$$C^- = \sum_{k \neq e} \sum_{e \neq k} \frac{C_{ke}}{m(m-1)}$$

گام پنجم: محاسبه ماتریس موافق موثر

از طریق رابطه زیر

$$f_{ke} = \begin{cases} 0 & C_{ke} \geq C^- \\ 1 & C_{ke} < C^- \end{cases}$$

گام ششم: محاسبه ماتریس مخالف موثر

$$d^- = \sum_{k \neq e} \sum_{e \neq k} \frac{d_{ke}}{m(m-1)}$$

$$g_k = \begin{cases} 0 & d_{ke} > d^- \\ 1 & d_{ke} \leq d^- \end{cases}$$

گام هفتم: مشخص نمودن ماتریس کلی موثر H

ماتریس تسلط نهایی H از ضرب تک تک درایه های ماتریس تسلط موافق F در ماتریس تسلط مخالف G حاصل می شود:

$$h_{ke} = f_{ke} \cdot g_{ke}$$

گام هشتم: حذف کردن گزینه های با رضایت کمتر و انتخاب بهترین گزینه

ماتریس تسلط نهایی H ترجیحات جزئی گزینه ها را بیان می کند. به طور مثال اگر مقدار h_{ke} برابر یک باشد بدین معناست که برتری گزینه K بر گزینه e در حالت موافق و مخالف قابل قبول است و اما گزینه K شانس مسلط شدن توسط گزینه های دیگر را دارد. گزینه های بید انتخاب شود که بیشتر از آنکه مغلوب شود تسلط داشته باشد و از این نظر می توان گزینه ها را رتبه بندی کرد (عطایی، ۱۳۸۷: ۶۱). در واقع گزینه ارجح گزینه ای است که دارای کمترین عدد ۱ در ستون باشد (میر فخرالدینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۶).

گام نهم: حذف گزینه های کم جاذبه

ماتریس کلی H نشان دهنده ترتیب ارجحیت نسبی از گزینه ها است؛ بدان معنی که $h_{ke} = 1$ نشان می دهد که A_k بر A_1 هم از نظر معیار هماهنگی و هم از نظر معیار ناهماهنگی ارجح است. بدن صورت A_k هنوز ممکن است که تحت تسلط گزینه های دیگری باشد (وحدانی و هادی پور، ۲۰۱۰، ۵۷۲)

جدول شماره ۱ - وضع موجود محلات هدف در شاخص های مورد استفاده برای سنجش توسعه یافتگی فرهنگی

جمعیت سال ۱۳۹۰	درصد باسواد زنان	درصد باسواد مردان	تعداد مدارس دبیرستان و هنرستان	تعداد مدارس راهنمایی	تعداد مدارس ابتدایی	درصد تئاتر، سینما، موزه و کتابخانه	درصد مسجد و حسینیه	محلات شاخص
۱۷۱۵۳	۵/۰۵	۴/۹۰	۳/۸۷	۳/۳۳۳	۰	۵	۱۴/۳۲۵	جوآنرد قصاب
۷۰۳۶	۲/۰۲	۱/۹۵	۲/۶۶۷	۲/۲۲۲	۲/۲۲۲	۵	۱۴/۳۲۵	منصوریه
۳۰۸۱۶	۹	۸/۵۰	۱۰/۶۶۷	۴/۴۴۴	۴/۴۴۴	۴۵	۳۴/۳۵۶	دیلمان
۱۲۶۰۳	۳/۶۰	۳/۶۱	۱/۳۳۳	۲/۲۲۲	۳/۳۳۳	۱۵	۲۸/۶۳۹	بهشتی
۱۶۰۲۴	۴/۶۰	۴/۵۰	۳/۳۳۳	۴/۴۴۴	۳/۳۳۳	۳۵	۱۴/۳۲۵	ظهیرآباد
۱۱۰۶۱	۳/۲۶	۳/۱۴	۳/۳۳۳	۰	۲/۲۲۲	۱۰	۱۱/۴۳۱	حمزه آباد
۲۱۶۴۷	۶/۲۵	۶/۰۵	۷/۳۳۳	۴/۴۴۴	۲/۲۲۲	۲۰	۸/۶۱۶	ولی آباد

مأخذ: شهرداری منطقه ۲۰ تهران

۲. استاندارد نمودن داده ها و تشکیل ماتریس استاندارد از طریق رابطه زیر

$$r_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{k=1}^m a_{kj}^2}}$$

جدول شماره ۲- ماتریس نرمال شده

محل شاخص	درصد مسجد و حسینیه	درصد کتابخانه ، سینما ، موزه و کتابخانه	تعداد مدارس ابتدایی	تعداد مدارس راهنمایی	تعداد مدارس دبیرستان و هنرستان	درصد یا سواد مردان	درصد یا سواد زنان
جوانمرد قصاب	۰/۲۷	۰/۰۷۹	۰	۰/۳۷۲	۰/۲۶۵	۰/۳۶۵	۲/۷۶۱
منصوریه	۰/۲۷	۰/۰۷۹	۰/۲۹۵	۰/۲۴۸	۰/۱۸۲	۰/۱۴۵	۶/۹۰۲
دیلمان	۰/۶۴۷	۰/۷۰۹	۰/۵۹	۰/۴۹۶	۰/۷۳	۰/۶۳۴	۱/۵۴۹
بهشتی	۰/۵۳۹	۰/۲۳۶	۰/۴۴۲	۰/۲۴۸	۰/۰۹۱	۰/۲۶۹	۳/۸۷۳
ظهير آباد	۰/۲۷	۰/۵۵۲	۰/۴۴۲	۰/۴۹۶	۰/۲۰۸	۰/۳۳۶	۳/۰۳۱
حمزه آباد	۰/۲۱۵	۰/۱۵۸	۰/۲۹۵	۰	۰/۲۰۸	۰/۲۳۴	۴/۲۷۷
ولی آباد	۰/۱۶۲	۰/۳۱۵	۰/۲۹۵	۰/۴۹۶	۰/۵۰۲	۰/۴۵۱	۲/۲۳۱

مأخذ: نگارندگان

جدول شماره ۳- رتبه بندی نهایی

code	محل شاخص	درصد مسجد و حسینیه	درصد کتابخانه ، سینما ، موزه و کتابخانه	تعداد مدارس ابتدایی	تعداد مدارس راهنمایی	تعداد مدارس دبیرستان و هنرستان	درصد یا سواد مردان	درصد یا سواد زنان
A1	جوانمرد قصاب	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰
A2	منصوریه	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
A3	دیلمان	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱
A4	بهشتی	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰
A5	ظهير آباد	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰
A6	حمزه آباد	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰
A7	ولی آباد	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰

مأخذ: نگارندگان

رتبه بندی نهایی

$A1 > A2$ $A3 > A1$ $A3 > A2$ $A3 > A4$ $A3 > A5$ $A3 > A6$ $A3 > A7$

$A4 > A2$ $A5 > A1$ $A5 > A2$ $A5 > A4$ $A5 > A6$

$A6 > A2$ $A7 > A1$ $A7 > A2$ $A7 > A4$ $A7 > A6$

بر اساس تجزیه و تحلیل انجام یافته محله حکمت از نظر شاخص های اجتماعی و فرهنگی دارای بیشترین رتبه در میان سایر محلات می باشد.

جمع بندی و نتیجه گیری

توسعه پدیده ای پیچیده و چند بعدی است و تنها زمانی می توان آنرا درک کرد که به طور همزمان جنبه های مختلف آن مد نظر قرار دارد. توسعه از این جهت مفهومی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، نگرش مردم و نهادهای محلی، کاهش نابرابری و کاستن از فقر است. اصولاً توسعه باید مشخص کند که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و تقاضای اعضای جامعه و گروه های اجتماعی از وضعیت نا مطلوب زندگی قبلی خارج شده و به سوی وضعیتی بهتر از نظر مادی و معنوی سوق می یابد. جنبه اجتماعی توسعه یکی از ابعاد توسعه است و برای سنجش آن نیز شاخص های متعددی از سوی صاحب نظران ارایه شده است. شاخص اجتماعی جنبه ای از حیات اجتماعی ما را در بر می گیرد. اگر چه سازمان ملل متحد به طور رسمی افزایش نرخ رشد سالانه ۹ درصد در تولید ناخالص ملی را بعنوان نشانه توسعه معرفی کرده است اما از اوایل دهه ۱۹۵۰ کارشناسان و صاحب نظران اجتماعی سازمان ملل از توجه به ابعاد اجتماعی توسعه غافل نماندند. مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران از نظر شاخص ها فرهنگی دارای رتبه یکسانی نیستند و اغلب از امکانات فرهنگی محدود و کمتری بهره مند می باشند. در اغلب محلات تهران نابرابری های اجتماعی و فرهنگی به وفور دیده میشود که این امر ناشی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این محلات است. نابرابری اقتصادی، نابرابری فرهنگی را به دنبال دارد بدین جهت نابرابری های فرهنگی پیامد های بس ناگوار از نابرابری های اقتصادی دارد. بدین ترتیب مطالعات و مقایسه محلات و مناطق در ابعاد فرهنگی می تواند برنامه ریزان و سیاست گذاران اقتصادی - اجتماعی را در اتخاذ تصمیمات و اجرای برنامه های مناسب در جهت کاهش نابرابری یاری رساند. بر

این اساس در این پژوهش با توجه به شاخص های فرهنگی موجود در هر محله نسبت به رتبه بندی محلات با استفاده از مدل ELECTRE پرداخته شد. نتایج نشان داد که محله جوانمرد قصاب در رتبه ۱، قرار گرفته اند. بر همین مبنا توجه به رهیافت تعادل و توازن برای برنامه ریزان و سیاست گذاران فرهنگی بسیار ضروری است.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی؛ غلامرضا غفاری (۱۳۸۴)، جامعه شناسی توسعه تهران، انتشارات کیهان
۲. اکبریان، رضا (۱۳۸۶)، بررسی نقش فرهنگ در اقتصاد، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال ۲، شماره ۱۲، تهران.
۳. بابایی فرد، اسد الله (۱۳۸۹)، توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۰، شماره ۳۷، ۵۶-۷
۴. تقوایی، مسعود و رحمتی قائد صفر (۱۳۸۵)، تحلیل شاخص های توسعه فرهنگی استان های کشور، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۷، صص ۱۱۷-۱۳۲.
۵. ربانی، رسول (۱۳۸۵)، جامعه شناسی شهری، اصفهان: دانشگاه اصفهان، چاپ دوم.
۶. زیاری، کرامت الله (۱۳۷۹)، سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استان های ایران، مجله نامه علوم اجتماعی، ش ۱۶، ۹۱-۱۰۴.
۷. عطایی محمد، (۱۳۸۸)، انتخاب محل مناسب برای احداث کارخانه آلومینا - سیمان با استفاده از روش الکترا، نشریه بین المللی علوم مهندسی، شماره ۹، جلد ۱۹،
۸. عظیمی، حسین (۱۳۸۳)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، چاپ پنجم، نشر نی.
۹. فاضل نیا، غریب و همکاران (۱۳۸۹)، ارزیابی برنامه های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۳، ش ۳، طواری مجتبی و همکاران، (۱۳۸۷)، شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر بهره وری نیروی انسانی استفاده از تکنیک های MADM، نشریه مدیریت صنعتی، دوره ۱، شماره ۱.
۱۰. محمدی، جمال و ایزدی ملیحه (۱۳۹۱)، تحلیلی بر سطح توسعه فرهنگی شهر اصفهان با استفاده از تحلیل عاملی، مجله مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال ۴، شماره ۱۶، ۸۹-۱۰۴.
۱۱. مسعودیان، سعیدالله (۱۳۷۲)، سیری در مؤلفه های فرهنگی جهان، مرکز پژوهش های کاربردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۲. مشکینی ابوالفضل و قاسمی اکرم (۱۳۹۱)، سطح بندی شهرستان های استان زنجان بر اساس شاخص های توسعه فرهنگی با استفاده از مدل TOPSIS، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال ۲، شماره ۱۱-۷.
۱۳. ملک محمدی و زهرایی کراچیان (۱۳۸۷)، رتبه بندی جواب های مدل بهینه سازی چند هدفه بهره برداری از مخازن با روش ELECTRE، مجموعه مقالات سومین کنفرانس مدیریت منابع آب ایران تبریز. ایران
۱۴. میر فخرالدینی حیدر و همکاران (۱۳۸۹)، شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر بهبود کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی با استفاده از تکنیک تصمیم گیری چند شاخصه، مجله مدیریت سلامت، شماره ۴۳، تهران

14. Berg L. S. A. 2002. Transport Infrastructure Regional Study in the Balkans, Final Report, Appendix 8 ELECTRE TRI

15. Boudon R. Bernard P. (1995), Dictionnaire de la sociologie. Larousse, Paris.

16. Christiannsen U (1993), Les reforms au Danemark. Metropoles en desequilibre, urbaine de Lyon, Ed. Economica. Paris.
17. Imbert M. de Lauwe C. (1982), La banlieue augourd'hui. Lharmattan, Paris.
18. Kayser B. (1979), Petites villes ET pays dans Laménagement Rural. CNRS, Paris.
19. Ladburry, S. & Kinear, R. 1995. Social Policy Research for Development. London: DAESCOR.
20. McCann, E. J. (2002): The Cultural Politics of Local Economic Development: Meaning-Making, Place-Making, and the Urban Policy Process, Geoforum, Vol. 333 :(385-398).
21. Palamede J. (1973), Le systeme de l'habiter. Service Sciences Humaines, Paris.
22. Pellegrino P. Bernard P. (1983), Escape ET culture. Ed. George Saint- Saphion, Suisse.
23. Rosenstein, Carole (2011): Cultural development and city neighborhoods, City, Culture and Society 2 9-15.
24. Tille, M., Dumont, A.G., (2003): "Methods of Multicriteria Decision Analysis within the Road Projects like an Element of the Sustainability", 3 rd Swiss Transport Research Conference, March 19-21. Rennie, John Keith (2002), World Bank Social Development Strategy. Washington Dc. WB
25. Rennie, John Keith (2003), Securing s future fir all, MNA Region Strategy For Social Development Washington Dc. WB Nov
26. Roy, B., (1991): "The Outranking Approach and the Foundation of ELECTRE Methods, Theory and Decision, 31, 1991, pp 49-73.
27. Thin, N., Good, T. & Hodgson, R. 1998. Social Development Policies Result and Learning: Experiences from European Agencies. UK Social Development Division.
28. Vahdani, B., & Hadipour, H. (2011). "Extension of the ELECTRE method based on interval-valued fuzzy sets". Soft Computing-A Fusion of Foundations, Methodologies and Applications, 15(3), 569-579.
29. Yu, W. 1992. ELECTRE TRI: aspects methodologiques ET manuels utilisation. Document du lamsade, vol 74. Universite Paris- Dauphine.
30. <http://mytehran.ir>